

چرا باید صبر کنیم؟



قال قرطبی
حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

برای ایمان به خدا در معارف دینی ما نشانه‌های مختلفی ذکر شده است. یکی از شاخصه‌های مهمی که درباره افراد مؤمن مطرح شده خلصت مهم صبر است. در کتب اخلاقی دینی، مطالب بسیاری درباره انواع صبر و موقعیت‌های آن بیان شده است.

امام صادق ^(ع) می‌فرمایند: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ، كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ». صبر برای ایمان به‌منزله سر است برای بدن. همچنان‌که اگر سر برود، بدن هم از بین می‌رود. اگر صبر از کف رفت، ایمان نیز از کف می‌رود.»

این گفتار گهربار از مواردی است که اهمیت صبر را برای مؤمن به‌خوبی نشان می‌دهد، درواقع به‌وسیله صبر، مؤمن می‌تواند در مسیر خدا حرکت کند و خود را از آفت‌های مختلف حفظ نماید، به‌وسیله صبر می‌تواند در مسیر عبادت‌ها حرکت کند و خود را از معصیت‌ها و اشتباهات رنگارنگ حفظ نماید، به‌وسیله صبر در میان سختی‌های زندگی دنبال‌بیل به شکوه و شکایت باز نمی‌کند و یاد

می‌گیرد که پیوسته نعمت‌ها را ببیند و شاکر باشد؛ به‌وسیله صبر و استقامت، مسیر عزت و شرافت را طی می‌کند و به عنایات و الطاف الهی می‌رسد که در آن آیه زیبایی قرآنی فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَخْزَنُوا وَآيُسْزَوُا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ، به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یگانه است، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند و می‌گویند: نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.»

امیرالمؤمنین ^(ع) در حکمت ۵۵ نهج‌البلاغه درباره این صبر صحبت می‌کنند و در یک تعبیر حکیمانه انواع آن را بیان می‌فرمایند: «الصَّبْرُ صَبْرَان، صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ، وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ، صبر بر دو قسم است. صبر دربرابر انجام کار خوبی که دوست نداری و صبر بر ترک کار بدی که دوست داری.»

حضرت در این تعبیر می‌فرمایند صبر دقیقاً درباره چیزی است که با نفس انسان سازگاری ندارد، حال یا شما به آن علاقه‌مندی و باید از آن دوری کنی یا اینکه به آن علاقه نداری و باید آن را حفظ نمایی، مثل پیچه‌ای که به خواب علاقه دارد و از صبح زود بیدار شدن بدش می‌آید، ولی باید صبح زود از خواب ناز بیدار شود تا بتواند به مدرسه برود و درس بخواند و سختی‌های این مسیر را نیز باید متحمل شود. که فرمود: کسی که سختی و ذلت این مسیر را تحمل نکند، باید تاابد در ذلت نادانی بماند. آری اینجا قصه، قصه دانستن و ندانستن است، خدایی که به رشد و کمال و نقایص وجودی انسان آگاهی دارد و مسیر سعادت او را می‌داند. این مسیر را به گونه‌ای تعیین کرده است که انسانی که نمی‌داند برایش گاهی سخت و ناگوار و تلخ است و دقیقاً نقش صبر همین جاست و همین‌جا باید به داد او برسد تا بتواند از پله‌های رشد و تعالی بالا برود و همه این مطلب در یک آیه زیبای قرآنی بیان شده است که فرمود: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ، و بسا چیزی را خوش نداری و آن برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است، و خدا [لمصلحت شما را در همه امور] می‌داند و شما نمی‌دانید.»

بله، تمام این مطلب می‌خواهد بگوید که قصه زندگی دنیا و حرکت در مسیر خوبی‌ها، درکنار لذت‌هایی که دارد، قصه صبر و تحمل است که فرمود: بهشت به سختی‌ها پیچیده شده و تنها با تحمل این سختی‌هاست که مؤمن می‌تواند، چه در این دنیا و چه در آن دنیا، به منزلت و جایی که دوست دارد، برسد.

بردار

و بخوان

چهارده خورشید و یک آفتاب

زمانی که خورشید اسلام در سرزمین حجاز طلوع کرد، شاید کمتر کسی در آن زمان تصور می‌کرد این دین تازه به‌زودی عالم‌گیر شود و نام پیامبرش در مناره‌های مساجد روزانه در کنار نام خدا برده شود. اما از آنجا که خداوند در قرآن مجید می‌فرماید «ما این قرآن را نازل کردیم و خودمان هم آن را حفظ می‌کنیم» و یا در سوره کوثر خداوند به پیامبرش وعده می‌دهد که هرکس به تو ابتر گفته است، خودش مقطوع‌النسل خواهد بود، خداوند به وعده‌اش وفا کرد و پیامبر خاتمش ^(ص) را بلند مقام و بلندآوازه کرد و از نسل و سلاله پاک او دوازده امام معصوم ^(ع) را برای ادامه راه پیامبر خاتم ^(ص) فرستاد تا زمین هیچ‌گاه خالی از حجت خدا نباشد.

در خود کلمه شیعه، نوعی التزام عملی نهفته است. شیعه را بدین جهت شیعه می‌نامیدند که در گفتار و کردار و اخلاق ^(ص) از پیامبر اکرم ^(ص) و حضرت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار ^(ع) پیروی می‌کردند. عمل، لازمه ایمان واقعی است. اگر عمل نباشد، معلوم می‌شود ایمان او نیز مفهومی و صوری است. در همین زمینه در روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «شیعتنا اهل الهدی و اهل التقی و اهل الخیر و اهل الایمان و اهل الفتح و الظفر» «شیعیان ما اهل هدایت و تقوا، اهل خیر و نیکی و اهل ایمان و پیروزی و موفقیت هستند.» یکی از شیعیان حضرت به‌نام شقرانی از تقسیم بیت‌المال توسط منصور دوانیقی، خلیفه وقت، محروم ماند. در کنار خانه خلیفه منتظر فرصت بود تا با شفاعت و وساطت کسی حق خود را بگیرد. حضرت صادق ^(ع) سهیم او را گرفت و به وی داد. آن‌گاه فرمود: ای شقرانی، اعمال نیک از همه نیکوست، ولی از تو نیکوتر است. چون به ما نسبت داری (و شیعه ما هستی) و کارهای زشت از همه زشت است، ولی از تو زشت‌تر است (چون به ما نسبت داری).

کتاب «چهارده خورشید و یک آفتاب» یکی از مجموعه‌هایی است که به زندگی ائمه معصوم ^(ع) می‌پردازد و در شکلی فاخر و جذاب منتشر شده است. این مجموعه کتاب در چهارده مجلد جداگانه و در قالب صد داستان کوتاه به معرفی شخصیت و زندگانی هر یک از اهل بیت ^(ع) پرداخته است. طراحی جذاب و ساده و همچنین جنس متفاوت کاغذهای آن، اثری شکیل و دل‌نشین را به جای گذاشته است.

با توجه به اینکه نویسندگان کتاب‌ها متفاوت‌اند، همه آثار در یک سطح نیست، اما نکته درخرو توجه در این آثار معرفی کوتاه و جذاب زندگانی اهل بیت ^(ع) در قالب داستان و آن هم برای همه سنین است. نکته جالب‌تر اینجاست که در این مجموعه ادبی، منبع دینی و تاریخی هر داستان در پایان کتاب ذکر شده است، به‌طوری‌که شما صد منبع برای صد داستان کوتاه مشاهده می‌کنید. برای خیلی از افراد که از چهارده معصوم ^(ع) فقط اسمشان را می‌دانند، مطالعه سیره و زندگانی اهل بیت ^(ع) امری ضروری است. این مجموعه با جذابیت‌هایی که دارد، در عین مختصر بودن می‌تواند آینده‌سازان ایران اسلامی را با چهارده خورشید آشنا کند، با مادر آفتاب، آفتاب بر نی و دیگر آفتاب‌های عالم‌تاب.

«تا همیشه آفتاب» چهاردهمین جلد از مجموعه چهارده جلدی «چهارده خورشید و یک آفتاب» است که در ۹۵ صفحه منتشر شده است. آخرین امام شیعیان در پانزدهم شعبان ۲۵۵ق، به‌رغم مراقبت‌های ویژه و مأموران حکومت عباسی، در خانه امام حسن عسکری ^(ع) چشم به جهان گشود. تولد مخفیانه آن حضرت بی‌شباهت به تولد حضرت موسی ^(ع) و حضرت ابراهیم خلیل ^(ع) نیست. همان‌گونه که این دو پیامبر بزرگ الهی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی فرعونیان و نمرودیان به اراده خداوند و به سلامت در کنار کاخ فرعون و نمروود متولد شدند. حضرت مهدی ^(عج) نیز درحالی‌که جاسوسان و مأموران خلیفه عباسی همه وقایع خانه امام یازدهم ^(ع) را زیر نظر داشتند، در کمال امنیت و بدون آنکه دشمنان بویی ببرند، در سرگاه روز جمعه نیمه شعبان قدم به جهان هستی گذاشتند.

هدایت قرآنی، همگانی و مربوط به همه عرصه‌های زندگی بشر است

ایمان داشته باش تا هدایت شوی

حمیده ذاکری^۱ در جای جای قرآن کلمه هدایت آمده است. کتابی که برای هدایت بشر از طرف خداوند متعال برای ما فرستاده شده است. آن هم به وسیله امین‌ترین و مهربان‌ترین شخصی که زمانه به خودش دیده است؛ یعنی پیامبر اکرم ^(ص). آیات زیادی در قرآن کریم است که این کتاب را و وسیله و مایه هدایت ذکر کرده‌اند. کلمه هدایت به صورت‌های مختلفی مثل هدی للمتقین، هدی للناس، هدی و بشری للمسلمین، هدی و بشری للمؤمنین وسیله هدایت متقین، هدایت مردم، هدایت مسلمانان و هدایت مؤمنان آمده است. در ادامه در ذیل آیه ۱۶ سوره مائده این امر را بررسی می‌کنیم.

او خود هادی است

کلمه هدایت از ریشه هدی آمده است. هدایت در فرهنگ عرب، به معنای «ارشاد و راه نمودن» است و به کسی که پیشاپیش مردم حرکت می‌کند و راه را به آنان نشان می‌دهد، «هادی، گفته می‌شود. طبرسی، مجمع البیان، ذیل «اهدنا»، یکی از نام‌های خداوند متعال «الهادی» است: «مِن أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى شَيْخَانَهُ: الْهَادِي، قَالَ إِبْنُ الْأَثِيرِ: هُوَ الَّذِي يُضَرُّ عِبَادَهُ وَعَرَفَهُمْ طَرِيقَ مَعْرِفَتِهِ حَتَّى أَقْرَأُوا بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَهَدَى كُلَّ مَخْلُوقٍ إِلَى مَا لَا يُدْبِلُهُ مِنْهُ (لسان العرب، واژه هدی)، یعنی او کسی است که بینایی می‌دهد و بندگان را و نشان می‌دهد راه معرفت و بینایی را به آن‌ها تا اینکه اقرار به ربوبیت کنند و همچنین هدایت می‌کند

هر مخلوقی را به آنچه از معرفت برای اوست. هدایت به

معنای ارشاد و راهنمایی (ابن فارس، مقاییس اللغة،

هدی»)، بیان راه رشد و کمال و بیستر سازی برای

رسیدن به قله کمال مطلوب است. (مصطفوی،

التحقیق، جلد ۱۱، ص ۲۴۷، «هدی».

قرآن کریم کتاب راهنماست

خداوند متعال کتاب آسمانی خود را با هدف راهنمایی و آموزش بشر برای زندگی بهتر و سالم فرستاده است اما این هدایت و راهنمایی، مستلزم انجام مراحل است که در سوره مبارکه مائده، آیه ۱۶ این‌طور بیان شده است: «يَهْدِي يَهْ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ نَتَجِدَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ، بنا به این آیه، هدایت به تمامی راه‌های خیر و راستی، سلامت و سعادت دنیا و آخرت است. قرآن در این آیه شریف، چهار محور هدایت را نشان داده است:

۱. هدایت‌کننده که خدای رحمان است.

(يَهْدِي يَهْ اللَّهُ).

۲. وسیله هدایت که قرآن است.

(يَهْدِي يَه).

۳. هدایت‌شونده و آن، کسی است که

در پی رضوان و خشنودی خداوند باشد.

(مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ).

۴. مقصود هدایت که دستیابی به

راه‌های سلامت است.

(سُبُلَ السَّلَام).

۳ مرحله از مراحل هدایت

۱- هدایت به سلامت و عافیت

از مرحله اول هدایت به «سبل السلام» یاد می‌کنند. خدای متعال بندگان مؤمن خود و آن‌هایی را که به دنبال تحصیل رضای او هستند، در قدم اول به راه‌هایی که منجر به سلامت انسان‌ها می‌شود، هدایت می‌کند. سلامت از چه چیزی؟ سلامت از همه آن آفت‌ها و آسیب‌هایی که سلامت انسان را تهدید می‌کند. اگر کسی در این مسیرهایی که قرآن به انسان نشان می‌دهد حرکت کند، از آسیب‌های احتمالی در امان می‌ماند. شیاطین نمی‌توانند به قلب او دسترسی داشته باشند، نمی‌توانند او را وسوسه کنند. شیاطین انس و جن نمی‌توانند با تزئین گناهان، او را به سمت خود بکشاند و از مسیر منحرف کنند. پس در قدم اول، خدای متعال انسان‌هایی را که به دنبال رضایت او باشند، به راه‌های سلام هدایت می‌کند. راه سلام را به آن‌ها نشان می‌دهد.

۲- هدایت از تاریکی به سمت نور

در قدم دوم «وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ» آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد و هدایت می‌کند. مرحله دوم، یعنی مرحله اخراج از ظلمات به سوی نور، مطابق آیات دیگر قرآن کریم، از شئون ولایت... است. در قرآن کریم می‌خوانیم که «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (سوره بقره، آیه ۲۵۷). خداست که ولی مؤمنان است و آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور سوق می‌دهد. این هدایت از تاریکی به سوی نور، کار خداوند متعال است و لذا اگر کسی بخواهد در مرحله دوم هدایت قرار بگیرد، حتما باید تحت ولایت خدا قرار بگیرد. اگر کسی تحت ولایت خدا و اولیای خدا، پیامبر گرامی اسلام ^(ص) و ائمه معصوم ^(ع) قرار نگیرد، از وادی ظلمت به وادی نور هدایت نخواهد شد. شرط مهم و اساسی رسیدن به نور، این است که انسان تحت ولایت خدا و اولیای او قرار بگیرد.

روشنا

امام صادق ^(ع): أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ نَفْسُ عَنْ مُؤْمِنٍ كَرِيَّةٌ، نَفْسُ اللَّهِ عَنْهُ سَبْعِينَ كَرِيَّةً مِّنْ كَرِبٍ الدُّنْيَا وَ كَرِبٍ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

۳- راهی مستقیم به هدایت

البته نکته سوم و مرحله سوم از مراحل هدایت قرآن «و يُهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» هدایت به صراط مستقیم است. صراط مستقیم یعنی بندگی خالصانه. اگر کسی این دو مرحله را پشت سر گذاشت، به سوی راه راست که بندگی خالصانه باشد، راه‌پیمای می‌کند. این شخص به‌مقام عبودیت که بالاترین مقام برای هر انسانی است، نائل می‌شود، مقامی که موجب استحقاق شفاعت است و موجب شفیع شدن است که قرآن می‌فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَهَجَدْ بِه نَاقِلَه لَکَ» (سوره اسراء، آیه ۷۹). ای پیامبر! شب‌ها عبادت کن، بندگی خود را به اوج برسان! «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا»، شاید خدا تو را به مقام محمود، مقام ستوده شده برساند که آن مقام، مقام شفاعت است. کسی که به صراط مستقیم برسد، به مقام عبودیت رسیده است و رسیدن به مقام عبودیت، یعنی رسیدن به اوج کمال.

هر مؤمنی که گرفتاری مؤمنی را برطرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری دنیا و آخرت را از وی دور می‌سازد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۳)

خانواده شاد، محبوب نزد خداوند

ارزانی‌کند، نعمتی که برکات فراوانی برای ما به همراه دارد. برای حفظ این نعمت نیز در باورهای دینی ما توصیه‌هایی وجود دارد؛ رفتار با همسر از مواردی است که نمی‌توان بدون آموزش و تربیت توقع داشت انسان به صرف دیدن و شنیدن آن را درست و مناسب انجام بدهد. همان‌طور که خوش‌زبانی و محبت کردن مهارت است توجه و رفتار اجتماعی و خانوادگی نیز یک مهارت است که باید برای آن وقت گذاشت و خود را مطابق توصیه‌های تخصصی و دینی موجود تربیت و تنظیم کرد. برای هر دو جنس زن و مرد در توصیه‌های دینی مواردی ذکر شده است که با عمل به آن‌ها

احکام

احکام رهن و اجاره

و خانه او را اگر و برمی‌دارند، به شرط این‌که قیمت کمتری برای مال الاجاره بپردازند یا اصلا مال الاجاره‌ای ندهند و آن را خانه رهنی می‌گویند. این کار ربا و حرام است. بهترین راه برای خانه‌های رهن و اجاره آن است که مالک، ملک خودش را به مبلغ کمی اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر فلان مبلغ را به او وام دهد و ملک اجاره‌شده در مقابل آن وام رهن باشد که در این صورت اشکال شرعی نخواهد داشت.

مقابل، از سکنای خانه استفاده می‌کنند. این کار اگر بدون اجاره باشد، ربا و حرام است و فرد حق ندارد در خانه زندگی کند و اگر با اجاره باشد، پس اگر قرض دادن مشروط به اجاره باشد، باز هم حرام است و اگر اجاره به‌شرط قرض باشد، به احتیاط واجب جایز نیست. برای احتیاط فرد می‌تواند به فقیه دیگری مراجعه کند.

آیت... مکارم شیرازی: در میان بعضی مردم معمول است که وامی به صاحب‌خانه می‌دهند

این قرض دادن به شرط آن باشد که منزل مذکور اجاره داده شود یا از بهای اجاره مبلغی کسر شود، ربا و حرام است، ولی اگر مالک، منزل یا مغازه‌اش را به مبلغ کمتری اجاره دهد، به شرط اینکه مستأجر مبلغی را به او قرض دهد، اشکالی ندارد.

آیت... سیستانی: آنچه فعلا به عنوان رهن در میان مردم معروف است، در واقع رهن نیست، بلکه پولی را به صاحب‌خانه قرض می‌دهند و در

شنیدنی

حمیده ذاکری^۱ برای بسیاری از افراد در دنیای پر از مشغله و گرفتاری امروزی داشتن یک همدم و مونس نعمتی است که قدرش را خوب می‌دانند. دو نفر که با انس با یکدیگر روزهای سخت جوانی را برای یکدیگر روشن و گرم می‌سازند تا بتوانند پایه‌پای یکدیگر خانواده‌ای شاد بسازند. در قرآن کریم آمده است که: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس

^[1] حمیده ذاکری برای بسیاری از افراد در دنیای پر از مشغله و گرفتاری امروزی داشتن یک همدم و مونس نعمتی است که قدرش را خوب می‌دانند

^[2] حمیده ذاکری برای بسیاری از افراد در دنیای پر از مشغله و گرفتاری امروزی داشتن یک همدم و مونس نعمتی است که قدرش را خوب می‌دانند